



نوید مجیدی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر

حدود یک هفته پیش چند نفر از نمایندگان پارلمان رژیم اسرائیل بی‌بی‌سی‌ای دادند که دخالت آشکار سیاسی درباره خاک ایران و به‌ویژه استان‌های شمال غربی ایران به‌شمار می‌آید؛ مسئله‌ای که برای هر ایرانی باشرقی پذیرش آن ممکن نیست. تا بدان‌جا که می‌دانم برخی واکنش‌ها در درون کشور یا بیرون کشور هم رخ داد که عموماً بر ایران دوستی –به‌عنوان خط قرمز ملت ایران– استوار بود و از این‌رو ارزشمند به‌شمار می‌آید؛ اما بر این باورم که بیانیه یادشده کارکرد دیگری هم داشته است که در ادامه به آن خواهم پرداخت.

در سال‌های گذشته عموماً نگاه مسئولان دولتی به این‌گونه مواضع، بیشتر همراه با جمله‌هایی چنین بوده است: «این‌گونه بیانیه‌ها ارزش پرداختن ندارد» یا «بازی رسانه‌ای است» یا جمله‌هایی از این دست. اما گذر زمان نشان داده آنچه اهمیت دارد و روی داده است، از قضا در برخی موارد در آسیا مواضع برداشتن‌های ما بوده؛ نمونه و گواه این مطلب نیز هاورد

نگاهی دوباره به بیانیه ضد ایرانی جمعی از پارلمان اسرائیل

یک برآورد و تحلیل ممکن از ارتباط این بیانیه با انتخابات ترکیه

سیاست خارجی ایران در قفقاز پس از فروپاشی شوروی است. هرگاه به این رویکرد ۳۰ساله نگاه می‌کنیم، جای تدبیر و تأمل دارد و بی‌گمان راهکارهای دیگری جز آنچه در خاطرات و روایات مسئولان وقت کشور (پس از فروپاشی شوروی) آمده است یا در سالیان اخیر درباره نشست‌های منطقه‌ای برای تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران و… دیده‌ایم، وجود داشته و دارد که به آنها بی‌توجهی شد و این نوشته، جای پرداختن به آن نیست.

پیش از این هم در چند یادداشت به ارتباط دولت ترکیه با اسرائیل اشاره کرده‌ام و بنا بر همان روابط، یک گزینه پررنگ برای تحلیل چرایی صدور بیانیه ضد ایرانی برخی نمایندگان پارلمان اسرائیل این است که آن را در راستای کمک به افزایش بخت پیروزی اردوغان در انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو ارزیابی کنیم؛ چراکه اندیشه «پان‌ترکیسم» و رؤیای رسیدن به جهان‌روغین «تورانی» که در ذهن اردوغان و همراهانش در

نگاهی دوباره به شرایط عجیب برجام که میان اختلاف محافل تحلیلی و طرفین درگیر معطل مانده است

وضعیت مجهول

در نقد سناریوی علی واعظ و ولی نصر چنین برداشت می‌شود که آنها همچنان قائل به احیای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ هستند. اما محمدمهدی سبحانی‌نیا با زیرسؤال‌بردن ادعای این دو دیپلمات پیشین کشور، اعتقاد دارد که واقعیات میدانی و بن‌بست مذاکرات هسته‌ای مؤید آن است که اکنون به‌هیچ‌عنوان فضا برای احیای برجام وجود ندارد.
این تحلیلگر حوزه سیاست خارجی در گفت‌وگوی خود با «شرق» از آن می‌گوید که مجموعه تحولات اخیر، مرگ مذاکرات هسته‌ای را رقم زد.

به همین دلیل از دید او، اروپایی‌ها و آمریکا دیگر تمایلی به ادامه مذاکرات هسته‌ای برای احیای برجام را ندارند. در این خوانش سبحانی‌نیا می‌گوید: «اگر در یک گزینه احتمالی، مذاکرات هسته‌ای مطرح باشد، مذاکراتی جدید و برای ترسیم توافقی جدید خواهد بود». البته این مفسر حوزه سیاست خارجی در ادامه ارزیابی خود اذعان دارد که تهران با توجه به شرایط اقتصادی و دیگر مشکلات، نیم‌نگاهی به ازسرگیری مذاکرات و احیای برجام دارد اما گویا شرایط مطابق میل تهران نیست». هرچند سیدحسین موسویان تمایلی به گفت‌وگو با رسانه‌های داخلی در ایران ندارد، اما گروهش احمدی در گفت‌وگو با «شرق» به تشریح هرچه بیشتر نظرات خود را درباره مقاله مشترک علی واعظ و ولی نصر و همچنین سناریوهای جایگزین خودش برای احیای برجام می‌پردازد.

♦ **جناب احمدی اخیراً در نوشته‌های کوتاه به رد مقاله مشترک علی واعظ و ولی نصر برای پیشنهاد توافق منطقه‌ای به جای احیای برجام پرداختید. حضرتعالی جزء آن دسته از کارشناسانی هستید که همواره با نگاهی خوشبینانه‌معتقدید راه‌حل برن‌رفت از بحران کنونی، بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ است، چنان‌که سیدحسین موسویان هم مشابه با ارزیابی شما، در مقاله‌ای در نشریه Responsible Statecraft وابسته به اندیشکده کوئینسی همین نکته را طرح می‌کند. اما آنچه تقریباً مسلج است این است که چیزی به نام برجام ۲۰۱۵ موضوعی پیدا نمی‌آید. آیا با این تفاسیر شما امکان‌به برجام اعتقاد دارید و امیدوار به احیای آن هستید؟**

بیبیند موضوع اعتقاد و امید من نیست، مسئله اینجاست که چند

اتفاق و مسئله مانع از این می‌شود که محافل تحلیلی و کارشناسان

دیگر امیدبی به احیای برجام داشته باشند.

♦ **چه مسأله‌ی؟**

مسئله نخست به افزایش فعالیت‌های هسته‌ای ایران برمی‌گردد. تحلیلگران و کارشناسانی که معتقدند دیگر برابر قائل احیا نیست بر این مسئله تأکید می‌کنند که در چهار سال گذشته توان هسته‌ای ایران به حدی افزایش پیدا کرده است که قالب‌های تعبیه‌شده در توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ دیگر جوابگو نیست و احیای برجام دیگر نمی‌تواند آن یک سال گریز هسته‌ای مدنظر آمریکا را در آغاز تأمین کند. در کنار این موضوع باید اشاره کرد که در ماه‌ها و یکی دو سال پیش‌رو برخی از محدودیت‌ها و افاق‌های تعبیه‌شده در برجام لغو خواهد شد. برای مثال در اکتبر سال جاری (مهرماه) محدودیت‌های تسلیحاتی، موشکی و دفاعی ایران طبق قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل به عنوان ضامن اجرایی برجام منقضی خواهد شد و از طرف دیگر تا سال ۲۰۲۵ هم قطع‌نامه ۲۲۳۱ سازمان ملل خاتمه پیدا می‌کند، موضوع هسته‌ای ایران آن دستور کار شورای امنیت خارج می‌شود و نهایتاً تحریم‌های مربوط به حوزه هسته‌ای ایران هم برداشته خواهد شد. یعنی به‌جز لغو محدودیت‌ها در چند مورد جزئی که سال ۲۰۳۰ اتفاق می‌افتد، حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد از محدودیت‌ها و افاق‌های مدنظر برجام تا سال ۲۰۲۵ برداشته می‌شوند. در سایه این مسائل فنی و حقوقی است که در محافل تحلیلی و کارشناسی غربی و به‌خصوص آمریکایی این نگران وجود دارد که در صورت احیای توافق سال ۲۰۱۵، تهران به راحتی می‌تواند از شرایط کنونی برای ارتقای هسته‌ای استفاده کند در حالی‌که دیگر تحریم و محدودیتی هم برای ایران وجود ندارد.

اما علاوه بر این موضوع فنی و همچنین اختلافات پادمانی بین تهران و آژانس، وقوع چند رویداد سیاسی نیز باعث شده است که دیگر برخی تحلیلگران و محافل کارشناسی قائل به احیای برجام نباشند. مسئله نخست به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۴



عبدالرحمن فتح‌اللهی: اخیراً در محافل تحلیلی و کارشناسی

اختلافاتی بر سر آینده برجام و نحوه برن‌رفت از بن‌بست مذاکرات هسته‌ای بروز کرده است. هرچند این اختلافات با شدت و ضعف در تمام این سال‌ها وجود داشته اما رکود و سکون دیپلماتیک بعد از شهریور سال گذشته و به تشعب آینده به‌شدت مبهم بر دامنه این اختلافات افزوده است، چنان‌که برخی قائل به عبور از توافق سال ۲۰۱۵ هستند و شرایط کنونی را مهیای بازگشت به برجام نمی‌دانند؛ چراکه اساساً به باور این طیف، برجام به شکل سابق دیگر قابل احیا نیست. در مقابل با وجود تمام چالش‌ها، مشکلات و موانع برخی ادامه مذاکرات هسته‌ای و احیای سال ۲۰۱۵ را راه‌حل نهایی می‌دانند. در همین باره گروهش احمدی و سیدحسین موسویان، دیپلمات‌های پیشین کشور در رد مقاله مشترک علی واعظ و ولی نصر برای پیشنهاد «توافقی منطقه‌ای جدید به‌جای مذاکرات هسته‌ای با هدف احیای برجام»، نظری متفاوت دارند و همچنان «بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ را بهترین راه‌حل می‌دانند».

علی واعظ (استاددار دانشگاه جورج تاون و مدیر برنامه ایران در گروه بین‌المللی بحران) و ولی نصر (مشاور ارشد اسبق فرستاده ویژه کشور در امور افغانستان و پاکستان) با نگارش مقاله‌ای نشریه فارین افز (Foreign Affairs) عنوان کردند «اگر ایالات متحده و اروپا نمی‌خواهند ایران به یک کشور دارای سلاح هسته‌ای تبدیل شود و اگر نمی‌خواهند نبردی را برای عقب‌انداختن برنامه هسته‌ای ایران به راه بیندازند، به یک رویکرد دیپلماتیک جدید نیاز دارند». این دو (واعظ و نصر) با بیان اینکه هر برجام غیرقابل احیا و پیشهاد کردند که «یک طرح توافقی منطقه‌ای در خاورمیانه، جایگزین توافق هسته‌ای شود».

علی واعظ و ولی نصر در تشریح توافق منطقه‌ای مدنظر خود اعتقاد دارند که «ایران و مجموعه کشورها عربی خاورمیانه برای همیشه غنی‌سازی اورانیوم بالای پنج درصد را کنار بگذارند، از بازفراوری پلوتونیوم دست بکشند و پروتکل الحاقی به معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای را تصویب کنند». این دو کارشناس در راستای تحقق این الزامات گفته‌اند «ایران می‌تواند ذخایر ۶۰ و ۶۰۰ درصدی مواد شکافت‌پذیر موجود خود را تا زیر پنج درصد ترکیب کند یا آنها را به خارج از کشورش ارسال کند. همچنین ایران متعهد به عدم حمایت از گروه‌هایی در شبه‌جزیره عرب شود و طرف مقابل نیز متعهد به عدم حمایت از معارضین ایران شود». در آن سو به باور واعظ و نصر، «ایالات متحده و متحدان اروپایی‌اش باید مذاکرات تجارت آزاد ایران و خلیج فارس را از تحریم‌ها مستثنا کرده و یک مسیر قدرتمند برای رشد اقتصادی در میان تمام طرفین توافق ایجاد کنند. هم‌زمان شورای امنیت سازمان ملل نیز می‌تواند این توافق را به‌عنوان جانشین برجام تأیید کرده و پیامدهایی تنبیهی را برای موارد نقض تعیین کند».

♦ **منتقدان چه می‌گویند؟**

اما آنچه واعظ و نصر در مقاله مشترک خود به‌عنوان سناریوی جایگزین احیای برجام معرفی کرده‌اند، چندان به مذاق برخی تحلیلگران خوش نیامده و به انتقاد و رد آن پرداخته‌اند. از یک‌سو گروهش احمدی با زیر سؤال بردن برجام منطقه‌ای این دو، به ذکر چند پرسش و نکته می‌پردازد. احمدی می‌گوید که «در نوشته مشترک واعظ و ولی نصر ادعان شده است که اروپا از نظر اقتصادی نتوانست برای ایران کاری بکند، پس چگونه انتظار دارند که جی‌سی‌سی (شورای همکاری خلیج فارس) برای ایران کاری بکند و ایران به چنین چیزی دلخوش باشد». این دیپلمات پیشین ایران در سازمان ملل در ادامه انتقادات خود بیان می‌کند: «سایید من خیلی ساده‌ام که درک نمی‌کنم چرا ایران باید قبول کند که تحریم‌های اروپا و آمریکا ادامه یابد و تنها به صرف قول همکاری اقتصادی با جی‌سی‌سی (شورای همکاری خلیج فارس) بپذیرد برنامه هسته‌ای‌اش را بسیار بیشتر از برجام و به‌طور دائمی محدود کند. شاید دوستان تا این حد ساده نباشند و به کنه طرح بی برده باشند». علاوه بر گروهش احمدی، سیدحسین موسویان هم در رد پیشنهاد واعظ و نصر، در نشریه Responsible Statecraft وابسته به اندیشکده کوئینسی و در یک بازخوانی کوتاه از شرایط کنونی نوشت: «۳۱ سپتامبر ۲۰۲۲ به بعد مذاکرات هسته‌ای در بن‌بست است. شائبه استفاده تسلیحات ایرانی در جنگ اوکراین توسط دولت روسیه و اتفاقات داخلی ایران، تمرکز دولت‌های آمریکا و اروپا را نسبت به احیای برجام تغییر داد. در ماه اگوست ۲۰۲۲، جوزف بورل هماهنگ‌کننده سیاست خارجی اروپا اعلام کرد که متن احیای برجام نهایی شده و آماده امضا است. هرچند دولت ایران در آن مقطع آماده پذیرش متن نبود، اما تهران اخیراً برای توافق درباره همان متن آمادگی خود را نشان داده است. ایران و آمریکا جزئیات تبادل زندانیان سیاسی را هم نهایی کرده‌اند، منتها آمریکا از امضای آن طفره می‌رود، چون به موجب این توافق حدود هفت میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران آزاد می‌شود. علاوه بر آن، در صورت احیای برجام و طبق قطع‌نامه ۲۲۳۱، در اکتبر سال محدودیت‌های موشکی و پهپادی علیه ایران برداشته خواهد شد و دولت بایدن باید برای اخذ مصوبه کنگره برای رفع بخشی از

می‌آید پیروزی وی می‌تواند به بهبود روابط با همسایگان و کاهش تنش در منطقه و تضعیف نقش اسرائیل در این تنش‌ها بینجامد که در چند سال اخیر، جمهوری باکو و شمال عراق را کانون فعالیت خویش کرده و به دلیل درگیری روس‌ها در جنگ اوکراین، در پی بهره‌برداری از این فرصت و حضور گسترده‌تر در قفقاز و مناطق پیرامونی است.

نگارنده بر این باور است که جدا از اینکه پیروز انتخابات ترکیه چه کسی خواهد بود، دستگاه دیپلماسی ایران باید با دقت و خردورزی تحول‌های مناطق شمالی و غربی ایران –ازجمله قفقاز– را رصد کند و به‌ویژه، به دلیل درهم‌تنیدگی تاریخ و فرهنگ مردمان آن منطقه‌ها و ارتباط‌شان با ایران که آنها را مستعد سرمایه‌گذاری دشمنان برای آشوب می‌کند، عمق استراتژیک ایران را بر همین اصل «درهم‌تنیدگی» استوار کند؛ زیرا طبیعی است که وجود این فاکتور باید در امور سیاست خارجی تأثیر بسیار داشته باشد و یکی از زمینه‌های مسلم عمق استراتژیک، همانا تاریخ و فرهنگ است.



سخن APF

دست روی دست نمی‌گذارد که همراه محدودیت‌های تسلیحاتی و دفاعی ایران بر داشته شود، پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران بدون نظارت ادامه پیدا کند و سال ۲۰۲۵ مکانیسم ماشه کلا منقضی شود.

قطعا فشار بیشتری تحمیل خواهند کرد؟

جواب این سؤال شما پیش کسانی است که فرصت‌های قبلی برای احیای برجام را هم در دولت روحانی و هم در دولت رئیسی سوزاندند. سال گذشته در تیر و مرداد بر اساس بسته پیشنهادی جوزپ بورل امکان احیای برجام وجود داشت، اما با نگاهی به پاییز و زمستان سرد اروپا این فرصت گرفته شد.

♦ **از این به بعد باید چه کرد؟**

ما باید حداقل‌هایی را در سیاست خارجی در نظر بگیریم. از یک طرف باید روابط خود را با آژانس بهبود ببخشیم، اینکه طبق برخی اخبار تهران حاضر به نصب مجدد دوربین‌های نظارتی آژانس در تأسیسات هسته‌ای خود شده است، اتفاقی مثبت خواهد بود که مانع از وخیم‌ترشدن پرونده هسته‌ای در نشست آتی شورای حکام و راجع پرونده به شورای امنیت خواهد بود. موضوع دیگر توافق موقت است، تا قبل‌تر یک بار توافق موقت را امتحان کردیم. در ۲۰۱۳ توافق موقتی منعقد شد تا ظرف مدت شش ماه مذاکرات برای رسیدن به توافق دائمی ادامه پیدا کند. البته در داخل ایران توافق موقت تأیید نمی‌شود که کاملاً منطقی است؛ چون اهرم‌های ایران را از دست او می‌گیرد و در مقابل مختصری از تحریم‌ها لغو می‌شود. پس باید دید که توافق موقت با چه پیش‌فرضی مطرح است؟ توافق موقت همان‌گونه که از اسمش پیداست، موقت است، لذا من معتقدم حصول توافق موقت با این قرارداد که مذاکرات هسته‌ای برای توافق پایدارتر با اصلاح بندهایی از توافق سال ۲۰۱۵ ادامه پیدا کند، قابل دفاع است، البته اگر غربی‌ها بر گزینه توافق موقت اصرار داشته باشند، وگرنه برای ما گزینه ایدئال همان ازسرگیری مذاکرات و احیای توافق سال ۲۰۱۵ است.

♦ **از دل مقاله مشترک علی واعظ و ولی نصر می‌توان این گزاره احتمالی را هم بیرون کشید که شاید واکنشتن به دنبال استفاده از کانال کشورهای عربی برای پیشنهاد توافق جدید به تهران باشد. به همین دلیل بایدن از احیای روابط تهران– ریاض استقبال کرد، تا بتواند با برگ عربستان در برابر ایران بازی کند؟**

من همیشه گفته‌ام و تکرار می‌کنم که بهترین مسیر آن است که ایران مستقیم با کشورهای اروپایی و آمریکا وارد مذاکره دشود. برای احیای برجام، تبادل زندانیان دوتابعیتی یا هر موضوع دیگری می‌توانیم از ظرفیت و توان چانه‌زنی دیپلماتیک خودمان در مذاکره مستقیم با اروپا و آمریکا استفاده کنیم، بدون آنکه واسط و میانجی وجود داشته باشد. اصلاً در شان جمهوری اسلامی ایران نیست که برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس میانجیگر و پیغام‌بر مذاکرات غیرمستقیم ما باشند. ضمن اینکه این نوع دیپلماسی تاکنون جواب نداده و از این به بعد هم جواب نمی‌دهد. اتفاقاً نقد جدی که به نوشته علی واعظ و ولی نصر دارم این است که این دو معتقدند کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توانند واسطه ما در حوزه اقتصاد و تجارت با اروپا و آمریکا باشند. یعنی هرگونه واردات ما از اروپا و آمریکا ابتدا به کشورهای عربی باشد و بعد به ایران وارد شود یا به‌عکس، صادرات ما به اروپا از طریق کشورهای عربی شکل بگیرد. این در شان جمهوری اسلامی ایران است؟ ما هیچ‌گاه نباید این نظریه غلط واعظ و نصر را بپذیریم و از ظرفیت مذاکره و رابطه مستقیم با کشورهای اروپایی و آمریکا محروم شویم و خود را محدود به حوزه خلیج فارس کنیم. اتفاق‌هایی فتنه واعظ و ولی نصر، نسخه بسط‌یافته‌تر همین میانجیگری‌های قطر، عمان و دیگر کشورهای عربی است که هیچ‌گاه به منتفع ما نبوده است.

♦ **در چند روز اخیر تهران اقدام به آزادکردن دو تبعه فرانسوی و فرانسوی– ایرلندی کرده است. اگرچه هنوز اخبار رسمی دال بر معادلات و معاملات بنست برده برای چرایی آزادکردن این دو تبعه اروپایی توسط ایران وجود ندارد، اما با توجه به نزدیک‌شدن نشست فصلی شورای حکام این تصور وجود دارد که تهران سعی کرده است با این اقدام از فشار اروپایی‌های عضو برجام (آلمان، فرانسه و انگلستان) جلوگیری کند. ضمن اینکه موازنه‌ای دیپلماتیک در اعدام حبیب اسبود باشد که…**

من به این مسئله ورود نمی‌کنم، اما به هر نیتی و به هر دلیلی که این اقدام صورت گرفته باشد قابل دفاع است. واقعاً جا داشت که این آزادی زندانیان اروپایی زودتر انجام شود. ولی در کل گفته‌های شما می‌تواند درست باشد.

آمریکا بازی می‌گردد. هرچه تنور انتخابات داغ‌تر شود به همان میزان اثر خود را روی برجام می‌گذارد. یعنی با توجه به این فاکتور، زمینه تخریب سیاسی و دیپلماتیک برای ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای و احیای برجام بیش از پیش فراهم خواهد شد. در کنار آن ما شاهد وقوع رخدادهایی در ایران بودیم که به شکل مستقیم روابط اروپایی‌ها با تهران را تحت تأثیر قرار داد و در داخل آمریکا هم انعکاس زیادی به همراه داشت و باعث شد دولت بایدن قدری محتاط‌تر از گذشته روی مذاکرات و احیای برجام مانور دهد. مسئله مهم دیگر به تداوم جنگ اوکراین و ادعای حمایت تهران از مسکو بازمی‌گردد. انعکاس مجموعه این موضوعات فنی، حقوقی و سیاسی در محافل کارشناسی و تحلیلی غربی و آمریکایی باعث شده است که مقامات کاخ سفید هم دیگر چندان تمایلی به ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای و احیای توافق سال ۲۰۱۵ نداشته باشند و به موازات آن شاهد طرح مباحثی همچون اعمال سیاست «نه توافق نه بحران»، یا پیش‌کشیدن سناریوی «توافق موقت»، سناریوی «پل B» و… هستیم.

♦ **جناب احمدی صریح می‌پرسم این نکاتی که فرمودید کاملاً بدیهی بود، اما بازخوانی آن مؤید تقابل واقعیت میدانی، سیاسی و دیپلماتیک با امیدواری شما و کسانی همچون سیدحسین موسویان برای احیای توافق سال ۲۰۱۵ است. با این تفاسیر چرا کم‌اگان امیدوارید که مذاکرات هسته‌ای برای احیای برجام به نتیجه برسد؟ چون واقعیت این است که طبق همان نکات شما دیگر برجام سابق وجود ندارد که قابل احیا باشد. حال در این میان درست ما غلط، علی واعظ و ولی نصر هم با اذعان به پایان برجام، یک سناریوی آلترناتیو و جایگزین را مطرح کرده‌اند که می‌توان به آن اعتقاد کرد، کما اینکه می‌توان به دیگر سناریوهای جایگزین هم نقد داشت. اما شما و آقای موسویان صرفاً روی احیای برجام تأکید دارید و سناریوی احتمال دیگری را هم مطرح نمی‌کنید تا…**

بیبیند اتفاق من به نوشته علی واعظ و ولی نصر این است که این دو با اذعان به پایان برجام، سناریویی را مطرح می‌کنند که اساساً به دور از واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. مبنای نظری علی واعظ و ولی نصر در مقاله مشترکشان این است که اگر تهران با همین سناریوی آنها ذیل حصول توافق منطقه‌ای موافقت نکند، هیچ چیزی به دست نمی‌آورد؛ چون این دو با توجه به شرایط موجود در ایران احتمالاً به این باور رسیده‌اند که تهران در تنگنایی قرار دارد که به منافعیش بیشتر از آنچه در مقاله خود به آن اشاره کرده‌اند، دست پیدا نخواهد کرد. لذا بهترین سناریوی آن خواهد بود که تهران در یک مناسبات منطقه‌ای به سمت افزایش روابط تجاری با اعضای شورای همکاری خلیج فارس، ایجاد یک بازار آزاد منطقه‌ای و حصول توافق در جهت منع هسته‌ای‌شدن خلیج فارس کام برآرد.

♦ **باز هم مجبورم تکرار کنم درصت با غلط، علی واعظ و ولی نصر با اذعان به پایان برجام یک سناریوی آلترناتیو را مطرح کرده‌اند که می‌تواند رد شود، اما حضرتعالی و سیدحسین موسویان هیچ پلن جایگزینی ندارند که بتوان روی آن …**

بیبیند من به عنوان یک ایرانی و دلسوز منافع و امنیت کشورم معتقد هستم که فعلاً بهترین سناریو بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ است و…

♦ **اما نکاتی که در سؤال نخست اشاره کردید عملاً چیزی به نام برجام را از حیز انتفاع خارج کرده است؛ چون موانع فنی، حقوقی، سیاسی و دیپلماتیک زیادی بر سر آن وجود دارد…**

بله واقعیت‌های این را می‌گویند، اما من تأکید دارم منافع ما در این است که کم‌اگان روی این مسیر مذاکرات هسته‌ای برای احیای توافق سال ۲۰۱۵ پیش برویم. اینکه موانع سیاسی، دیپلماتیک، حقوقی و فنی بر سر احیای برجام وجود دارد، نمی‌تواند مبنای عملکرد ایران را تغییر دهد. به هر حال ایران با کشورهای ۵+۱ گفت‌وگو‌هایی را انجام داد و برجام شکل گرفت. آمریکا با نقض عهد از آن خارج شد و شرایط بعدی رقم خورد. پس منطقی آن است که ما باید دوباره به همان مسیر قبلی بازگردیم.

♦ **این موضوع واقع‌بینانه است و اساساً انطباقی با شرایط و واقعیت‌های اخیر دارد؟**

اینکه موضوع من واقع‌بینانه است یا خیر و انطباقی با شرایط و واقعیت‌های یک سال اخیر دارد، موضوعی جداست. برای تحقق منافع ملی باید به مذاکرات برای احیای توافق سال ۲۰۱۵ ادامه داد.

♦ **اگر تهران هم مانند شما روی همین موضوع‌گیری اصرار بورزد و در آن سو اروپا و آمریکا هم قائل به احیای برجام نباشند، قطعاً غرب**